



## فهرست

- پیش‌گفتار ..... ۹
- فصل اول: وضعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی ایران پیش از اسلام ..... ۱۵
- فصل دوم: آموزش و پرورش در ایران باستان ..... ۴۷
- فصل سوم: شیوه‌های تعلیم و تدریس در قرن‌های نخستین پس از اسلام ..... ۷۱
- فصل چهارم: مکتب و آموزش مکتب‌خانه‌ای ..... ۷۵
- فصل پنجم: حکومت سلسله‌های ایرانی پس از اسلام ..... ۹۹
- فصل ششم: دوره‌ی غزنویان، سلجوقیان، تأثیر مخرب نظامیه‌ها، حمله‌ی مغول‌ها به ایران و اثرهای ناگوار آن ..... ۱۱۷
- فصل هفتم: چکیده‌ای درباره‌ی قرون وسطی و آغاز رنسانس در اروپا و هم‌زمانی آن با سلسله‌ی صفویان در ایران ..... ۱۴۷
- فصل هشتم: سلسله‌ی صفویان، آموزش و پرورش در دوره‌ی صفویان و دلایل انقراض صفویان ..... ۱۶۱
- فصل نهم: وضعیت ایران پس از صفویه تا روی کار آمدن قاجارها ..... ۱۶۷
- فصل دهم: انقلاب مشروطیت ..... ۲۰۱
- فصل یازدهم: اواخر دوره‌ی قاجار و هم‌زمانی آن با جنگ جهانی اول ..... ۲۱۳
- فصل دوازدهم: اوضاع ایران به هنگام روی کار آمدن رضاخان و آغاز سلسله‌ی پهلوی ..... ۲۲۱
- سخن پایانی ..... ۲۸۷
- منابع ..... ۲۹۱
- منابع تصویرها ..... ۳۰۱
- تصاویر ..... ۳۰۳

به نام خداوند جان و خرد

## پیش‌گفتار

تاریخ آموزش و پرورش در همه جای جهان با همه‌ی جنبه‌های زندگی انسان‌ها، از جمله مسائل اقتصادی مانند کشاورزی، دام‌پروری، صنعت و تجارت، عامل سیاسی مانند انواع حکومت، دولت و قوانین، و عناصر فکری انسان‌ها هم‌چون فلسفه، علوم، هنرها، ادبیات، دین و مذهب، باورها و به‌طور کلی فرهنگ ارتباط تنگاتنگ دارد. بنابراین در این اثر کوشش شده است تا حدودی و به‌ایجاز به روابط متقابل و حیاتی این عناصر پرداخته شود.

بررسی شیوه‌های آموزش در گذشته و اندیشیدن در مورد علل کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها سبب یافتن راه درست در حال حاضر و آینده است، یعنی اگر در هر زمینه‌ای به شناخت، بهره‌گیری از تجربه‌ها و جمع‌بندی آن‌چه که بر ما و دیگران گذشته است، نپردازیم راه به سوی پیشرفت نخواهیم برد و به گفته‌ی رودکی شاعر بزرگ ایرانی:

هر که نامُخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

این کتاب حاصل یادداشت‌هایم در طی سال‌ها رویارویی با نادرستی‌ها، کاستی‌ها و فرازوفرودهای آموزش و پرورش است، مسائلی که

در دوران تحصیلی خودم، کودکانم و سال‌ها تدریس در دبستان و دبیرستان با آن رویه‌رو بوده‌ام، هم‌چنین دغدغه‌های هم‌واری ذهنی‌ام که رسیدن به رشد شناختی، عاطفی و هیجانی، اخلاقی و اجتماعی، نیز تحقق عزت‌نفس هر انسان جز با آموزش و پرورش درست و خردمندانه برای همگان قابل دستیابی نیست. آموزش بر مبنای علم، عقل و منطق، با نیازهای واقعی و ملموس همه‌ی افراد بشر سروکار دارد، بر خورداری از هوا و آب پاک، غذای سالم، مسکن مناسب و امنیت، نیازهایی است که فارغ از زمان و مکان، جنسیت، دین و آیین و باورهاست. از هر قوم و قبیله و در هر کجای این جهان باشیم به همه‌ی این چیزهای ضروری نیاز داریم و این‌ها جز با سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و آینده‌نگری برای آموزش و تأکید بر یادگیری همه‌ی افراد جامعه، کار گروهی و مشارکت در حل مسائل و مشکلات محیط زیستی و اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود. این فرایند به تدریج صورت می‌گیرد ولی سرانجام نتیجه‌ی مطلوب خواهد داشت. هیچ جامعه‌ای فقط با تعداد اندکی افراد نخبه که البته جای خود دارند و مورد احترامند، نمی‌چرخد. اندکی نخبه و انبوهی نادان به کار و دنیای خویش و ناتوان از حل مشکلات پیچیده زندگی به چه کار آید؟!

آموزش منحصر به کسب دانش نیست، باید شیوه‌های آموختن را فراگرفت، آموختن چگونه اندیشیدن و نقد و بررسی امور از مهم‌ترین اجزای تحقق جامعه مدنی است. نیروی انسانی آموزش‌دیده و کارآمد همه‌ی افراد جامعه، آن جامعه را در فرایند توسعه قرار می‌دهد و چنین نیرویی می‌تواند عامل عمده‌ی تولید مادی و معنوی شود. یعنی تحقق جامعه‌ی مدنی با آموزش و پرورش رابطه‌ی مستقیم دارد. با یادگیری و آگاهی است که آدم‌ها می‌توانند برای حل مشکلات، مسئولیت به عهده بگیرند. احساس مسئولیت در حل مشکلات و مسائل پیچیده، کاربرد دانش را برای انسان‌ها قابل لمس و عینی می‌کند و از سوی دیگر تکیه به دیگران و به نیروهای فراواقعی را به

گونه‌ی چشمگیری کاهش می‌دهد و سبب احساس رضایت و شادی درونی می‌شود. آدم‌ها اشتباه می‌کنند، ولی از اشتباه‌های خود و دیگران می‌آموزند و تجربه‌های ناموفق را رها می‌کنند و این دست‌آورد جز با درگیر شدن مستقیم و عینی با مسائل و مشکلات به دست نمی‌آید. مسائل جهان روزبه‌روز پیچیده و دغدغه‌آمیزتر می‌شود، از جمله تغییرهای اقلیمی، گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین، ارتباط آینده‌ی زمین و سوخت‌های فسیلی، افزایش جمعیت و پیچیدگی‌های مربوط به آن. بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی نسبت به این مسائل یعنی نابودی حیات برای همه‌ی موجودات جهان. در جهان امروز دیگر مرزی وجود ندارد، کوچک‌ترین رویداد ناهنجار، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط دنیا، تأثیرهای مخربش را به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم بر همه‌ی آدم‌های ساکن کره‌ی زمین می‌گذارد. بنابراین ما ناگزیریم که نسبت به آنچه که در جهان می‌گذرد، حساس باشیم و شناختی علمی و منطقی از رویدادهای اطراف‌مان به دست آوریم تا بتوانیم بر نابه‌سامانی‌ها چیره شویم. به گفته‌ی فردوسی حماسه‌سرای بزرگ ایران «توانا بود هر که دانا بود.» گرچه به نظر بدیهی می‌آید ولی مغفول مانده است.

هم‌چنین باید به این نکته‌ی مهم نیز توجه داشت که باسواد بودن، تنها سواد خواندن، نوشتن و اندکی حساب کردن نیست، این مقدار سواد تنها جوابگوی نیازهای نخستین انسان است، ولی از آن‌جا که انسان حیاتی متفاوت از نظر کیفی با سایر موجودات زنده‌ی جهان هستی دارد و بیش‌تر از هر موجود زنده‌ی دیگر نیاز به مراقبت و آموزش برای زندگی کردن دارد. با توجه به تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های ذهنی، روانی و هیجانی انسان‌ها، نیز پیچیدگی‌هایی که در ارتباط میان افراد یک جامعه و نیز هر جامعه‌ای با جامعه‌های گوناگون دیگر وجود دارد، هر فردی نیاز به شناخت عمیق از ابعاد گوناگون حیات زیستی و اجتماعی بشری دارد و این امر مهم جز با یادگیری‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون و جز با مطالعه مستمر و پویا